

عوامل مؤثر بر گذران اوقات فراغت در مناطق شهری ایران (مطالعه موردی: منطقه ۸ مشهد)

محمد حسین سرایی^۱: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد، یزد، ایران
مجتبی روستا: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد، یزد، ایران
امیر اشونئی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

چکیده

یکی از عرصه‌هایی که زندگی روزمره را بازنمایی می‌کند و قدرت و مقاومت را در زندگی انسان‌ها به نمایش می‌گذارد، عرصه فراغت است. اوقات فراغت و نحوه گذران آن از مباحث تازه‌ای است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، توجه محققین را برانگیخته است. هدف از تحقیق حاضر بررسی عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر میزان اوقات فراغت در شهر مشهد است. در این تحقیق، رابطه میان متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت)، طبقه اجتماعی و سرمایه اجتماعی شهروندان مشهدی با میزان گذران اوقات فراغتشان مورد سنجش قرار گرفت. روش تحقیق، پیمایشی از طریق ابزار پرسشنامه خودساخته می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری، سهمیه‌ای است. بر این اساس منطقه هشت مشهد با جامعه آماری ۱۶۶۲۷۰ نفر انتخاب و پرسشنامه‌ها به تعداد ۳۸۳ خانوار توزیع شده است. برای آزمون متغیرهای تحقیق با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss و آزمون آماره t، لون، رگرسیون رابطه‌ی متغیرها مورد سنجش قرار گرفت. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیات نشان می‌دهد میزان رضایت از گذران اوقات فراغت بر میزان گذران اوقات فراغت اثر مثبت دارد، سرمایه اجتماعی تأثیری مثبت بر میزان گذران اوقات فراغت دارد، طبقه اجتماعی فرد اثر مثبتی بر میزان گذران اوقات فراغت دارد. همچنین میزان گذران اوقات فراغت در بین مردان و زنان متفاوت است. نهایتاً نتایج تحقیق بیان می‌کند که طبقات مختلف جامعه از سرمایه اجتماعی یکسان برخوردار نیستند و سطح برخورداری افراد در طبقات اجتماعی و اقتصادی جامعه، بر نوع رفتار افراد جامعه تأثیرگذار است و با توجه به اینکه اوقات فراغت نوعی رفتار تلقی می‌شود، میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی بر مشارکت افراد در فعالیت‌های فراغتی مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: اوقات فراغت، سرمایه اجتماعی، طبقه اجتماعی، شهروندان، مشهد.

^۱. نویسنده مسئول: ۰۳۵۱۸۱۲۳۵۶۰.amsaraei@yazduni.ac.ir

بیان مسأله:

یکی از عرصه‌هایی که زندگی روزمره را بازنمایی می‌کند و قدرت و مقاومت را در زندگی انسان‌ها به نمایش می‌گذارد، فراغت است. فراغت عرصه‌ای است که اختیار و آزادی انسان‌ها در آن بیشتر قابل اعمال است. از این‌رو است که گفته‌اند فراغت می‌تواند فرهنگ ایجاد کند و هویت افراد را آشکار سازد. فعالیت‌های اوقات فراغت دوران بچگی و نوجوانی عموماً برای رفتارهای اوقات فراغت در دوران بزرگسالی بسیار مهم تلقی گردیده است (رفعت‌جاه، ۱۳۸۴: ۶۵).

اوقات فراغت و نحوه گذران آن از مباحثی است که پس از انقلاب صنعتی به موضوعی مهم تبدیل شده است (عطایی سعیدی، ۱۳۸۸: ۲۰۶). مفهوم زمان فراغت در برابر درگیری‌ها و کار روزمره که اغلب عامل خستگی است به کار می‌رود و تعریف و تبیین آن به گشایش شاخه‌های جدیدی با عنوان «جامعه‌شناسی اوقات فراغت»، «انسان‌شناسی اوقات فراغت» و «جغرافیای اوقات فراغت» انجامیده است (فکوهی و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۲) در حقیقت اوقات فراغت، عرصه‌ی اجتماعی نوینی است که در بستر مدرنیته، تغییرات فرهنگی اجتماعی معاصر و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا و اهمیت یافته است. فراگیر شدن عناصر نوسازی به ویژه فرآیند صنعتی شدن، موجب از هم گسیختگی و پاره‌پارگی فرآیندهای زندگی روزانه‌ی افراد شده و در نتیجه تفکیک فزاینده‌ای بین ساعات کاری و غیرکاری به وجود آمده است. از این‌رو، در جوامع جدید امکان فراغت بیش‌تری برای افراد فراهم شده است و اوقات فراغت به عرصه‌ای رو به گسترش همراه با تنوع روزافزونی تبدیل شده است تا جایی‌که امروزه از تمدن فراغت صحبت به میان می‌آید (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵۸).

مسلم است که کانون‌های شهری در معرض برخورد فرهنگ‌ها و نگرش‌های متفاوت در موضوع اوقات فراغت قرار دارند و به عنوان چهارراه فرهنگ‌ها با دیدگاه‌ها و ارزش‌های متفاوت عمل می‌کنند. اگرچه ممکن است در جامعه‌ای منزوی تغییرات نحوه گذران اوقات فراغت کند و بطئی باشد، لکن، در شهرهای جهان سومی در قرن بیست و یک وضع به گونه دیگری است (Hall, 2005: 215) و سرعت تحول در جریان‌ها و ارتباطات در این شهرها با توجه به رقابت مناطق و محله‌ها عینیت بیشتری می‌یابد (Willams and et al, 1999). این تغییرات تماماً در سایه‌ی رفاه زیاد ناشی از صنعتی‌شدن و انباشت سرمایه ممکن گردیده است که خود بر چهره شهرها اثر گذاشته و باعث شده تا شهرها برای جای دادن انبوه جمعیت خود علاوه بر گسترش افقی با کمک تکنولوژی شروع به گسترش عمودی نیز بنمایند و کلان‌شهرها و شهر منطقه‌ها را به وجود آورند. این کلان-شهرها جنگلی از فولاد و سیمان را به وجود آوردند که خود برای انسان‌های شهرنشین و زندگی آنان اثرات منفی زیادی گذاشته است. بنابراین فشارهای عصبی و خستگی ناشی از کار و زندگی در شهرهای قرن بیستم همراه با بهبود وضع معیشت باعث شد تا انسان‌ها به فکر استفاده از زمان بیکاری خود بیفتند و به نحوه‌های مختلف از اوقات فراغت خود استفاده نمایند. این توجه و اهمیت دادن به اوقات فراغت در دهه‌های اخیر به حدی رشد کرده است که بدون شک می‌توان قرن آینده را قرن اوقات فراغت و در رأس آن گردشگری نامید (عبدالملکی، ۱۳۷۸: ۹). نگرش واقع‌بینانه در وضع موجود مقوله‌ی اوقات فراغت در کلان‌شهر مشهد به خوبی روشن‌گر این مطلب است که اوقات فراغت نه تنها در مقیاس محلی بلکه در مقیاس ملی و فراملی قابل بحث و مجادله است. تحقیق حاضر با استفاده از مفاهیم نظریه‌های اوقات فراغت به مطالعه تحولات و تغییرات میزان گذران اوقات فراغت میان شهوندان منطقه هشت شهر مشهد می‌پردازد و به دنبال پاسخ این سؤال است که آیا بین میزان گذران اوقات فراغت شهر مشهد تفاوتی وجود دارد؟ آیا بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت)، رضایت، سرمایه اجتماعی و طبقه اجتماعی با میزان گذران اوقات فراغت رابطه وجود دارد؟ بدین منظور فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

- ۱- طبقه اجتماعی اثر معناداری بر میزان گذران اوقات فراغت شهروندان دارد.
- ۲- سرمایه اجتماعی اثر معناداری بر میزان گذران اوقات فراغت شهروندان دارد.
- ۳- رضایت فرد از فراغت خود، اثر معناداری بر میزان گذران اوقات فراغت شهروندان دارد.
- ۴- بین میزان اوقات فراغت و جنسیت شهروندان رابطه وجود دارد.

مفاهیم نظری:

اوقات فراغت را با واژه Leisure در انگلیسی و واژه‌ی Leisir در فرانسه مترادف دانسته‌اند (قرخلو، ۱۳۸۶: ۴۸). در تعریف اوقات فراغت چنین آمده است: «اوقات فراغت یعنی آن بخش از زمان بیداری که انسان از تعهدات شغلی و کار مولد آزاد است و به طور دلخواه به استراحت و ترمیم قوا و رفع خستگی روحی و جسمی می‌پردازد» (منشی‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۱). برخی متخصصین فراغت را زمان آزادی بعد از انجام کار می‌نامند، منظور از کار، انجام امرار معاش و درآمد است. بعضی دیگر فراغت را محدودتر از این می‌دانند و معتقدند زمانی که بعد از کار و رفت و آمد به محل کار و ارضاء احتیاجات بدنی مثل خوابیدن، تغذیه، انسجام و ... باقی مانده، زمان فراغت است. برخی دیگر زمان انجام تعهدات اجتماعی مانند تعهدات مذهبی و خانوادگی (مانند نگهداری از فرزندان و ...) و این از زمان فراغت کم می‌کنند. به نظر می‌رسد برداشت سوم صحیح‌تر است، زیرا فراغت نتیجه‌گزينش آزادانه و مستلزم رهایی از وظایف مختلف است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۲۰-۳۱۹).

ژوفردومازیر معتقد است: فراغت مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خود یا برای استراحت یا برای تفریح یا به منظور توسعه اطلاعات یا آموزش غیرانتفاعی یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می‌پردازد (دومازیر، ۱۳۷۵). بالأخره اوقات فراغت زمانی است که یک فرد از تمام تعهدات و تکالیف خانوادگی، اجتماعی و شغلی آزاد است و می‌تواند به میل خویش آن را بگذراند. بدیهی است در همه تعاریف بر عنصر آزادی و اختیار فرد در انتخاب نوع فعالیت در زمان فراغت و نیز لذت بخش و ارضاکنده بدان فعالیت تأکید شده است. در واقع اوقات فراغت زمانی است که شخص در اختیار خویش است و می‌تواند به کار دلخواه خود بپردازد (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۲۰).
کارکردهای فراغت: گروهی فراغت را اوقات تلف شده و بی ارزش عمر می‌دانند و تنها ایامی را که در حال کار هستند، ارزشمند می‌دانند. گروهی دیگر اوقات فراغت را دارای کارکردهای مثبت می‌دانند. مهم‌ترین کارکردهای فراغت به شرح زیر است:

۱- استراحت و رفع خستگی؛

۲- جبران صدمات جسمی و روانی ناشی از هیجانانگیز مداوم کار؛

۳- تفریح و رهایی انسان از کسالت ناشی از یکنواختی؛

۴- کنار گذاشتن موقتی وظایف روزمره؛

۵- فراهم آوردن رشد شخصیت؛

۶- پرورش استعدادهای بدنی و ذهنی (قبلی، ص ۳۲۰).

سرمایه اجتماعی: بر اساس نظر جیمز کلان، جامعه‌شناس آمریکایی، سرمایه اجتماعی عبارت است از توانایی افراد برای همکاری با یکدیگر به منظور دستیابی به اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌ها (مولدان و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۰۲). به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی عبارت است از روابط دوجانبه، تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌شوند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهای پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می‌شود (جاجرمی، ۱۳۸۰: ۳۶). دو نکته کلیدی در سرمایه‌ی اجتماعی عبارتند از: نهاد سازی اجتماعی شامل شکل‌گیری نهادهای مدنی مانند سازمان‌های غیردولتی NGO و سازمان‌های جامعه‌ی محلی CBO و سایر سازمان‌های غیردولتی مبتنی بر مشارکت مردمی است و همبستگی اجتماعی عبارت است از وجود ارتباط دو سویه به مفهوم انواع ارتباط‌های مرسوم در جامعه است، به گونه‌ای که ارزش‌ها و باورها بتوانند بدون مانع و یا استفاده از قدرت به راحتی میان افراد جامعه مبادله شوند. در مواقعی که جامعه نسبت به یک پدیده و یا یک معرفت عمومی به اجماع یا اتفاق نظر می‌رسد، بیشترین انرژی همبستگی در جامعه به وجود می‌آید و می‌تواند این «وفاق بین الأذهانی» زمینه‌ساز حرکت‌های توسعه‌ای گردد. در این مواقع هم‌افزایی مثبت نشانگر بیشترین سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه است، به گونه‌ای همبستگی اجتماعی به پیوستگی گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی در راستای تحقق جامعه‌ی پایدار می‌انجامد (خاتون‌آبادی، ۱۳۸۴: ۱۴).

برای شناخت میزان و یا ظرفیت سرمایه‌ی اجتماعی در شهری می‌توان از شاخص‌های زیر استفاده کرد:

تعداد و نوع تشکل‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی و محلی، سرانه آن‌ها و طول زمان عضویت، گروه‌های اجتماعی و تعداد سرانه‌ی آن‌ها، میزان آگاهی و شناخت مردم نسبت به ساختارهای اجتماعی. به عبارت دیگر سرمایه‌ی اجتماعی از طریق سنجش میزان عضویت در گروه‌ها و شبکه‌ها تعیین می‌شود (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

طبقه اجتماعی: طبقه اجتماعی را می‌توان به صورت مجموعه‌ای از افراد با ویژگی‌های نسبتاً یکسان و دائمی در جامعه که از نظر مقام و موقعیت، ثروت، تحصیلات، دارایی‌ها و ارزش‌ها متفاوت از دیگران هستند تعریف کرد.

مبانی نظری:

کار استانی پارکر معروفترین نظریه در زمینه اوقات فراغت است (Parker, 1996). پارکر مدعی است نفس ماهیت فراغت، تنها در ارتباط با کار قابل درک است. بدون کار، فراغتی وجود ندارد و فعالیت‌های فراغتی جامعه صنعتی است که توسعه فعالیت‌های فراغتی را موجب می‌شود. طبق نظریه وی، کار را تا آن اندازه می‌توان به فراغت تبدیل کرد که علاوه بر آنکه ادامه و استمرار کار محسوب شود، بتواند نگرش فرد را نسبت به کار اصلاح کند. اگر نارضایتی در کار احساس شود، فراغت جنبه ترمیمی پیدا می‌کند (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

در عصر ما اندیشه درباره فراغت کم و بیش با پیدایش علم جامعه‌شناسی فراغت مرتبط می‌باشد. ماکس کاپلان^۱ در کتاب «فراغت در آمریکا» در مفهوم فراغت بر حسب زمینه‌های ذهن‌گرایانه خود تجدید نظر می‌کند و در فراغت ابعاد متعددی می‌بیند. برای او فراغت نوعی فعالیت فرهنگی است و سرشتی از نوع بازی دارد. کاپلان فکر می‌کرد که فراغت باید از دو زاویه مورد بررسی قرار گیرد: فردی و اجتماعی یعنی رضایت درونی و دیگری، ارزشی که جامعه بر آن قائل است (اسدی، ۱۳۵۲: ۵). نومیر^۲ از صاحب‌نظران برجسته اوقات فراغت، عوامل فردی فراغت را شامل سلاطین اجتماعی، حالات عاطفی، ایستار و عادات می‌داند و معتقد است علایق و تمایلات اولیه انسان غیر از گرسنگی و تشنگی پنج مورد اشتیاق به کسب تجارب جدید، اشتیاق به ایمنی، اشتیاق به کسب پاسخ دیگران، اشتیاق به شناخته شدن و اشتیاق به یاری دیگران را شامل می‌شود. به نظر نومیر به ارتباط فراغت و فرهنگ اعتقاد دارد و معتقد است که با دگرگونی جامعه و فرهنگ در طول تاریخ فراغت هم دچار تحول شده است. این تغییر از عادات قومی در گذشته به صورت نهاد در سال‌های اخیر به گونه‌ای است که امروز فراغت به صورت بخشی از ارزش‌های مورد قبول و دارای اهمیت جامعه در آمده است (موموندی، ۱۳۸۰: ۴۲).

سیریل اسمیت^۳ نظریه‌های ویژه‌ای را که در زمینه فراغت از سوی متفکران اجتماعی اظهار شده است به سه دیدگاه نظری تقسیم می‌کند: نظریه اجتماعی شدن، نظریه نقش و پایگاه و نظریه خرده فرهنگ خاص جوانان. «نظریه اجتماعی شدن»، فراغت را جزئی از مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که از طریق آن ایستارها و آموخته‌های لازم برای ورود به بزرگسالی باید آموخته شود. دیدگاه دوم، این دوره را یک دوره موقت و ناپایدار به لحاظ نقش و پایگاه می‌داند و نظریه سوم هم خرده فرهنگ جوانان را مستقل از فرهنگ جامعه و حتی گاه متضاد با آن می‌بیند (قبلی: ۴۴).

اوقات فراغت و نحوه‌ی گذران آن یکی از شاخص‌های اساسی سبک زندگی نیز به شمار می‌رود. به بیان دیگر شیوه زندگی افراد معمولاً خود را در گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد. در دنیای جدید این ماکس وبر بود که با طرح گروه‌های منزلتی راه را برای مطالعات سبک زندگی و فراغت و اهمیت دادن به آن باز کرد (Katz & et al, 1999). پس از او وبلن با طرح مصرف هم چشمانه بررسی‌های جدید سبک زندگی و فراغت طبقات تن آسا را مطرح کرد (وبلن، ۱۳۸۳: ۶۹). گره گاه این سنت وبر-وبلنی، نظریات سبک زندگی و فراغتی بورديو است که با تأکید بر طبقات و سبک زندگی که او آن را عادت واره می‌نامید، دیدگاه جدیدی را در عرصه‌ی فراغت و سبک زندگی به وجود آورد. کالینز نیز از دیدی نووبری به فرهنگ طبقات توجه کرده است که یک قسمت آن در فراغت بازتاب می‌یابد. گذران فراغت به عنوان یک سبک زندگی می‌تواند تحت تأثیر پایگاه خاص خانوادگی، شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد. این عوامل بر گذران اوقات فراغت مؤثر واقع می‌شود. به علاوه

1 -Max Kaplan

2 - Neumeyer

3 -Cyril Smith

چون زنان و مردان خاصه در جامعه‌ی ما دارای سبک زندگی متفاوت هستند و میزان و نوع فراغت‌های آنها تغییر می‌کند، بنابراین جنسیت به عنوان یک متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق:

نخستین رساله جدید در طرفداری از فراغت برای کارگران در اروپا توسط پل لافارک^۱ که حق تنبیل بودن نام داشت و در آمریکا، تورشتاین و بلن^۲ با تدوین کتاب نظریه طبقه فارغ از کار، جامعه شناسی زمان فراغت را بنا نهاد و در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در اروپا و آمریکا نخستین پژوهش‌های تجربی درباره فراغت انجام گرفت (دومازدیه، ۱۳۵۲: ۲۰).

در اوایل ۱۹۷۰ که مصادف با دوره رشد و توسعه اقتصادی بود، تحقیقات انجام شده بر روی گذران اوقات فراغت بیش از آنکه به گذشته فراغت توجه داشته باشد به برنامه‌ریزی برای آینده توجه داشت. لذا به تدریج توجه به تاریخچه اوقات فراغت مورد غفلت قرار گرفته و بیش از آن به خود افراد در ارتباط با کار و اوقات فراغت توجه شد در اواخر دهه ۱۹۷۰ تا اوایل ۱۹۸۰ تحقیقاتی نظیر ملر (۱۹۷۶)، پیتر بایلی (۱۹۷۸)، جیمز والوین (۱۹۷۸) و گری کورس (۱۹۸۰) بر تاریخچه کار و اوقات فراغت انجام شد. تقریباً تمامی این تحقیقات انجام شده راجع به تاریخچه اوقات فراغت متمرکز بر قرن نوزدهم و تمامی موضوع آن بر درگیری میان گروه‌هایی که از شهرهای بزرگ سر برآورده و بر کنترل کار و فرایند اوقات فراغت در شهرهای صنعتی و نظام سرمایه‌داری معتقد بودند تمرکز دارد. بنابراین محققان اوقات فراغت به طور همزمان اشکالی از اوقات فراغت و کار را در جوامع صنعتی مطرح کردند که برای جوامع غیرصنعتی گیج کننده می‌نمود. تحقیقات اخیر راجع به زنان و اوقات فراغت توجه به این حقیقت را ترسیم کرده است که همه کس در جامعه غرب کنونی بخش بخش شدن کار و اوقات فراغت را تجربه نکرده است و همین ضرورت، نگاه به تاریخچه اوقات فراغت را نشان می‌دهد (هاوورث و ویال، ۲۰۰۴: ۱۵).

کلارک و کریچر ضمن تأکید بر تفریحات شایسته و در خور دختران جوان، فعالیت‌های تفریحی آنان را فعالیت‌هایی می‌دانند که در زمان و مکان مشخص انجام می‌شود و با نقش‌های اجتماعی دختران جوان قابل تطبیق باشد (Kelark & et al, 1985: 160). آلفرد لوید (۱۹۸۸) جامعه‌شناس دانشگاه میشیگان اوقات فراغت را ماهیتاً راه و روشی برای رسیدن به فرهنگ دموکراتیک توصیف کرده است (سعیدی، ۱۳۸۷: ۳۵). هانیکات نیز اوقات فراغت را به مثابه یک خلاقیت نگاه می‌کند «جامعه باید برای افراد فرصتی آماده کند تا کارهای خلاقانه تولید کنند و اوقات فراغت همین فرصت است» (Hunnicut, 1988). روژک (۱۹۹۰) نیز به مسأله ماهیت اوقات فراغت پرداخته است. وی معتقد است مناقشات درباره پست مدرنیسم و جهانی شدن بر اوقات فراغت هم متمرکز است. به این معنی که مصرف کننده معاصر یک نوع خاص اوقات فراغت متناسب با سبک زندگی، در زندگی آزاد خود ساخته است. این را می‌توان با توجه به برخی الگوهای مسلط اوقات فراغت در اکثر کشورهای اروپایی مانند اوقات فراغت با محوریت خانه نیز مشاهده کرد.

ادوارد گراس^۳ از نظریه اوقات فراغت و کار استفاده کرده است. او اشاره دارد که کارکردهای انطباق تفریح و اوقات فراغت خلاق برای جبران خستگی یا از بین بردن تأثیر برخی اشکال کار، کارکردهای نیل به هدف را بر تخصیص افتراقی و دستیابی به فرصت‌های گوناگون برای گذران اوقات فراغت تأکید می‌کند (Gross, 1961:8).

تحقیقات متعددی نشان می‌دهد که تفاوت‌های برجسته‌ای در الگوهای اوقات فراغت مردان و زنان در جوامع وجود دارند. بسیاری از این تفاوت‌ها نشانگر تفاوت در نقش‌هایی هستند که از قدیم به مردان و زنان نسبت داده شده‌اند. نقش سنتی زنان به عنوان خانه‌دار، سطح تحصیلات پایین آن‌ها، نقش اصلی آن‌ها به عنوان کدبانو و مادر خانه، موقعیت قانونی رده دوم آن‌ها، شرایط نسبتاً پناهجوی دختران نوجوان و تفاوت در استانداردهای فعالیت‌های جنسی همگی در متفاوت بودن نحوه گذران اوقات فراغت مردان و زنان نقش ایفا کرده‌اند (Parker, 1976: 87). شفر^۴ و آرمر^۱ به این نتیجه رسیده‌اند که تحصیلات از عواملی است که مردم را به شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت در بزرگسالی تشویق می‌کند.

1 - Paul Lafargue
2 - Thorstein Veblen
3 -Edward Gross
4 - Schafer

در مطالعه کیلی^۲ آن‌هایی که از درآمد بالا و تحصیلات دانشگاهی برخوردار هستند شنا را به عنوان یکی از فعالیتهای اوقات فراغت خود ذکر کرده بودند اما فقط ۵۶ درصد در طرف دیگر این مقیاس قرار داشتند. پیاده‌روی نیز لوازم و تجهیزات ویژه یا هزینه زیاد ندارد اما این ورزش نیز مورد علاقه افرادی است که از ثروت بیشتر و میزان تحصیلات عالیتری برخوردار هستند. وایت نیز درباره تمایزات طبقاتی و اوقات فراغت مشاهده کرد که تفاوت معناداری بین زنان و مردان در استفاده از اوقات فراغت وجود دارد. برخی از نتایج در تحقیقات انجام شده تأثیر عوامل اجتماعی هم چون حمایت و کنترل خانواده و دوستان را در بهبود میزان مشارکت جوانان در فعالیتهای بدنی مورد تأیید قرار داده‌اند (Kaldowl & et al, 1999).

استودولسکا در مطالعه خود نشان داده است که انجام اوقات فراغت مشروط به پایگاه خاص خانوادگی و همچنین شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (Stoduoleska, 2006). برخی مطالعات دیگر نیز نشان دهنده آن است که متغیرهای جمعیتی و پایگاه اجتماعی نقش مهمی در اوقات فراغت افراد دارد همچون هامبر و دیگران ۲۰۰۶، واگنر ۲۰۰۶، شینو و دیگران ۲۰۰۴، فیلیپ ۱۹۹۸، شینو و دیگران، ۱۹۹۵، سوزان ۱۹۹۵، فیتز جرال ۱۹۹۵ و رایمر ۱۹۹۴ (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

پژوهش‌های محققان ایرانی نشان می‌دهد الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری به ویژه در اقشار متوسط، از شکل انفعالی و درون‌خانگی به شکل فعالانه و برون‌خانگی میل می‌کند. اسدی در مطالعه‌ی خود در ارومیه، معمول‌ترین شیوه‌ی گذران اوقات فراغت را بیرون رفتن از منزل یافته است. از سوی دیگر مشاهده شده است که مردان آزادی بیشتری برای تفریحات بیرون از خانه داشته‌اند (اسدی، ۱۳۴۷).

محسنی (۱۳۵۲) در تحقیق خود مشاهده کرده که بیشترین اوقات فراغت دانشجویان در چارچوب خانواده انجام شده است. شکاف نسلی و تفاوت‌های جنسیتی در انجام فعالیتهای اوقات فراغت از دیگر نتایج تحقیق وی بوده است. زیارتی و ردولف طوبی (۱۳۵۵) به بررسی تأثیر شهر محل اقامت در میزان رضایت از فعالیتهای اوقات فراغت افراد تحصیلکرده در شهرهای اراک و تبریز پرداختند. در هر دو شهر نبودن موسسات انجام فعالیتهای فرهنگی برای بیش از نیمی از کارمندان موجب ناخشنودی بوده است. کیال (۱۳۵۶) در مطالعه‌ی خود جنسیت، محل سکونت، تحصیلات پدر را در گذراندن اوقات فراغت دانشجویان تعیین کننده یافته است. سعدیان و علیشاهی (۱۳۶۴) تفاوت معنی‌داری در بین دو جنس به لحاظ فعالیتهای مختلف اوقات فراغت مشاهده کرده‌اند. اسلامی با مطالعه درباره‌ی مردم تهران نتیجه گرفته است که آن‌ها بیشتر اوقات فراغت خود را به تماشای تلویزیون گذرانده‌اند. همین نتیجه را آقا در مطالعه خود بر روی گروهی از دانش‌آموزان به دست آورده است. همچنین وی تفاوت معنی‌داری بین دو جنس در خصوص استفاده از کالاهای فرهنگی مشاهده کرده است (آقا، ۱۳۶۷).

رجبی و آقا (۱۳۶۹) در مطالعه خود بر روی گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان شیرازی نتیجه گرفتند که جنس، پایه‌ی تحصیلی، محل تولد، وضع فعالیت و نوع شغل والدین، تحصیلات والدین، درآمد خانواده، تعداد فرزندان، وسایل سرگرم کننده و آموزنده‌ای در دسترس با اوقات فراغت رابطه‌ی مستقیم دارند. در تحقیقی که فریدون تندنویس در سال ۱۳۸۱ درباره اوقات فراغت زنان شهرنشین ایرانی انجام داده است، میانگین اوقات فراغت زنان ۲۰ تا ۶۵ ساله شهری حدود سه و نیم ساعت در روز، آن هم بیشتر در بعد از ظهرها است که بیش از دو ساعت آن صرف تماشای تلویزیون می‌شود.

نتایج تحقیق صابریان و همکاران (۱۳۸۲) نشان می‌دهد ارتباط معنی‌دار بین وضعیت اقتصادی و جنسیت، سن و وضعیت اجتماعی مشاهده گردید؛ نتیجه تحقیق آن‌ها، متوسط بودن وضعیت اقتصادی سالمندان نشان می‌دهد که این قشر جامعه نیز به مراقب بیشتری از نظر مالی دارند. نتایج، همچنین نشان داد که وضعیت فعالیتهای اجتماعی اکثر سالمندان در حد متوسط است که می‌تواند ناشی از افزایش سن و از بین رفتن انگیزه‌های زندگی باشد. منادی در مقاله‌ای با عنوان «اوقات فراغت و چالش‌های جهانی شدن مقایسه‌ی دو نسل»، به این نتیجه رسید که جوانان اوقات فراغت خود را متفاوت از والدین شان می‌گذرانند، آنان در گذران فراغت متأثر از جهانی شدن هستند، در حالی که والدین آن‌ها این گونه نیستند (منادی، ۱۳۸۶: ۱۳۱).

یافته‌های تحقیق صادقی و همکاران (۱۳۸۹) بیانگر اهمیت نمادین فراغت در زندگی اجتماعی جوانان و رابطه‌ی معنادار آن با اشکال مختلف تمایزات و نابرابری‌های طبقاتی و اجتماعی در جامعه است. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۰) بیان می‌دارند اوقات فراغت بازتابی از سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه است. میزان دسترسی افراد به سرمایه اجتماعی و فرهنگی موجب داشتن نوع خاصی از سبک زندگی توسط افراد می‌شود. آن‌چنان که سبک زندگی افراد، مجموعه تفکرات، تفاسیر و ادراکات وی را تشکیل می‌دهند و بر استفاده از فعالیت‌های فراغتی مؤثر می‌باشد.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و نوع آن کاربردی است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای (اسنادی) و پیمایش است. محدوده جغرافیایی پژوهش، منطقه‌ی ۸ شهرداری مشهد می‌باشد. با استفاده از روش اسنادی، ابعاد مفهومی و نظری موضوع نگرش جنسیتی نسبت به گذران اوقات فراغت مورد بررسی قرار گرفته و از روش پیمایشی نیز برای بررسی چگونگی توزیع و روابط بین متغیرهای وابسته و مستقل استفاده شده است. در این زمینه ابتدا پرسشنامه‌های تحقیق تهیه شده و با طرح آن‌ها و گرفتن پاسخ‌هایشان از پاسخگویان جامعه آماری، اطلاعات در زمینه موضوع مورد تحقیق به دست آمده است. جامعه آماری تحقیق را کلیه ساکنان منطقه هشت مشهد یعنی تشکیل ۱۶۶۲۷۰ نفر می‌دادند. مقدار واقعی نمونه طبق فرمول نمونه‌گیری ۳۸۳ نفر می‌باشد. شیوه اجرا پرسشنامه به صورت مصاحبه حضوری و شخصی بوده که پرسشگر چهار هفته متناوب با رجوع به منطقه ۸ که به نوعی محل تجمع نمونه‌های تحقیق بوده است داده‌ها جمع‌آوری شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS، ورود داده‌ها انجام شده و با استفاده از آزمون‌های آماری (رگرسیون، تی و لون)، داده‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

در این تحقیق، اوقات فراغت با ۱۸ گویه در دو بعد فعالیت‌های فردی و جمعی سنجیده شده است که گویه‌ها عبارتند از بعد فردی (انجام کارهای هنری، ورزش، گوش دادن به رادیو، تماشای تلویزیون، گوش دادن به موسیقی، تماشای فیلم ویدئویی، مطالعه، استفاده از رایانه، انجام بازی رایانه ای و تماشای ماهواره) و بعد اجتماعی (شرکت در مهمانی دوستانه، شرکت در مجالس مذهبی، معاشرت با اقوام، رفتن به پارک، مسافرت، رفتن به سینما و تئاتر، معاشرت با دوستان). همچنین طبقه اجتماعی با ۴ گویه (شامل میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، میزان درآمد پدر، میزان درآمد مادر) سنجیده شده است. در این تحقیق با ۱۱ گویه در سه بعد ساختاری (شامل مشارکت در فعالیتهای جمعی، مشارکت در کارهای فوق برنامه، کمک به دیگران، معاشرت با دیگران، گفتگو با همکاران و دوستان)، محتوایی (شامل توجه به نظرات دیگران، مطلوبیت رفتار دیگران، تاثیر از نظرات دیگران) و کارکردی (شامل برخورد دیگران، روابط متقابل) سنجیده شده است.

در نهایت در این تحقیق منظور از رضایت میزان خشنودی کنشگر از انجام عمل خود می‌باشد که منجر به تکرار آن عمل می‌شود که با ۳ گویه (شامل رضایت از امکانات تفریحی، رضایت از گذران اوقات فراغت، آیا تا به حال با رفتن به یکی از مراکز تفریحی دوباره پس از مدت کوتاهی آنجا را برای گذران اوقات فراغت خود انتخاب کرده‌اید) سنجیده شده است.

محدوده مورد مطالعه:

شهرداری منطقه هشت از نظر وسعت ۱۰۹۷ هکتار مساحت دارد. با توجه به قرار داشتن محدوده این منطقه در موقعیت جغرافیایی بسیار حساس و مهم شهر مشهد به واسطه همسایگی و همجواری بارگاه ملکوتی ثامن الحجج (ع)، هر ساله بیش از میلیون‌ها زائر هم‌وطن و بازدیدکننده داخلی و خارجی در محدوده این منطقه تردد نموده و در هتل‌ها و اقامتگاه‌ها و منازل شخصی آن اسکان می‌یابند. از مشخصات اصلی، حساس و مهم این منطقه می‌توان به این موارد اشاره نمود: وجود دستگاه‌ها و ساختمان‌های مهم اداری، دولتی و وجود مراکز پزشکی و بهداشتی، همچنین وجود مجتمع‌های تجاری مهم و برگزاری مراسم مذهبی-سیاسی و اجتماعی و مسیر تشریف‌فرمائی مقامات عالی رتبه سیاسی و کشوری همه و همه در سطح منطقه شرایط ویژه‌ای را ایجاد می‌نماید. (شکل شماره ۱). در جدول شماره ۱ و ۲؛ محدوده مورد مطالعه و میزان جمعیت منطقه هشت آورده شده است.



شکل ۱- نقشه موقعیت منطقه ۸ در کلانشهر مشهد

جدول ۱- محدوده قانونی منطقه هشت

شمال	خیابان شهید اندرزگو (خسروی نو)، آزادی، شیرازی تا میدان شهداء
جنوب	بزرگراه شهید کلانتری تا ارتفاعات بلوار ایمان و کوشش
شرق	خیابان امام رضا (ع)
غرب	خیابان دانشگاه، خیابان کوهسنگی تا پارک کوهسنگی، میدان جمهوری اسلامی

ماخذ: شهرداری منطقه هشت مشهد

جدول ۲- جمعیت منطقه ۸ کلانشهر مشهد در سال ۱۳۸۹

منطقه	خانوار	زن	مرد	جمع کل
منطقه هشت	۲۹۲۲۴	۵۰۳۹۶	۵۲۸۰۹	۱۰۳۲۰۵

ماخذ: شهرداری منطقه هشت مشهد.

یافته‌های تحقیق:

میزان اوقات فراغت پاسخگویان:

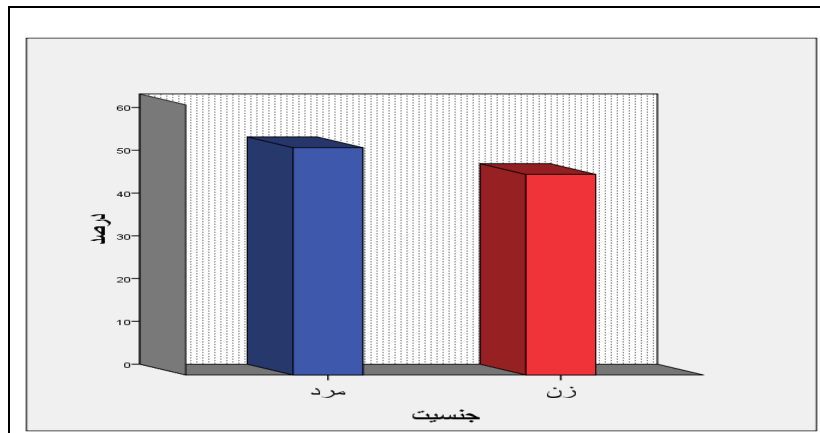
همانگونه که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد بیشترین درصد پاسخگویان میزان اوقات فراغت متوسطی (۶۵/۶ درصد) را داشته‌اند. این درحالی است که ۱۸/۸ درصد دارای میزان فراغت کم و ۱۵/۶ درصد این افراد اوقات فراغت خود را زیاد بیان کرده‌اند.

جدول ۳- میزان گذران اوقات فراغت در بین پاسخگویان

درصد فراغت	درصد	درصد تجمعی
کم	۱۸/۸	۱۸/۸
متوسط	۶۵/۶	۸۴/۴
زیاد	۱۵/۶	۱۰۰
مجموع	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱.

همچنین ۵۳/۱ درصد از پاسخگویان مرد بوده و حدود ۴۶/۹ درصد از افراد زن هستند. توزیع سنی پاسخگویان نشان می‌دهد که ۷۵ درصد در فاصله‌ی سنی ۱۵-۲۳ سالم می‌باشند، ۲۱/۱ درصد در بازه سنی ۲۴-۳۲ سال بوده و ۳/۹ درصد نیز در فاصله سنی ۳۳-۴۱ سال می‌باشند. به لحاظ وضعیت تأهل ۷۸/۱ درصد پاسخگویان مجرد و ۲۱/۹ درصد را افراد متاهل تشکیل می‌دهند. بر حسب میزان تحصیلات، ۶/۲ درصد دارای سیکل، ۳۷/۵ درصد از افراد دارای سواد سطح دیپلم، ۱۸/۸ درصد فوق دیپلم، ۳۱/۲ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و ۶/۲ افراد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد می‌باشند. (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱- توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

تحلیل رگرسیونی تک متغیره:

فرضیه شماره ۱: طبقه اجتماعی اثر معناداری بر میزان گذران اوقات فراغت شهروندان منطقه‌ی ۸ مشهد دارد. همانطور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد به منظور سنجش رابطه دو متغیر طبقه اجتماعی و میزان اوقات فراغت پاسخگویان از آزمون رگرسیون استفاده شده است. ضریب بتا حاکی از آن است که میزان تأثیر شاخص طبقه اجتماعی ۰.۳۲ می‌باشد که جهت تأثیرگذاری آن نیز مثبت است و نشان دهنده آن است که طبقه اجتماعی در پیش‌بینی میزان اوقات فراغت تأثیر مستقیم دارد. مقدار معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵ است و نشان دهنده این است که دلایل کافی برای رد فرضیه موجود نیست و فرضیه پذیرفته می‌شود. یعنی طبقات اجتماعی بالاتر میزان اوقات فراغت بیشتری برای خود در نظر می‌گیرند و بالعکس. همچنین ضریب تعیین ۰.۱۰ می‌باشد. بدین معنا که متغیر طبقه اجتماعی ۱۰ درصد از تغییرات متغیر تابع را تبیین می‌کند. نتیجه آزمون دوربین واتسن مقدار آماره ۱.۹۰ را نشان می‌دهد که به عدد ۲ نزدیک است. بنابراین فرض استقلال باقیمانده‌ها (خطا) رعایت شده همچنین معناداری رگرسیون با $\text{sig}=0.001$ نشان دهنده قابلیت تعمیم آن به جامعه است.

جدول ۴- ضرایب رگرسیون رابطه میان طبقه اجتماعی و میزان اوقات فراغت

سطح معناداری	مقدار t	انحراف استاندارد	ضریب بتای استاندارد	ضریب بتا	ضریب ثابت
۰.۰۱	۳/۳۶۱	۰.۰۲	۰.۳۲	۰.۰۰۸	۲۸/۸۳

منبع: یافته‌های میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱.

فرضیه شماره ۲: سرمایه اجتماعی اثر معناداری بر میزان گذران اوقات فراغت شهروندان منطقه‌ی ۸ مشهد دارد. به منظور سنجش رابطه متغیرهای سرمایه اجتماعی و میزان اوقات فراغت از آزمون ضریب رگرسیون استفاده شده است. بر طبق جدول شماره ۵ ضریب بتا حاکی از آن است که میزان تأثیر شاخص سرمایه اجتماعی ۰.۲۰ می‌باشد که جهت تأثیرگذاری آن نیز مثبت است و نشان دهنده آن است که سرمایه اجتماعی در پیش‌بینی میزان اوقات فراغت تأثیر مستقیم

دارد. مقدار sig کمتر از ۰.۰۵ است و نشان دهنده این است که دلایل کافی برای رد فرضیه موجود نیست و فرضیه ما موقتاً پذیرفته می‌شود. همچنین ضریب تعیین 0.04 می‌باشد بدین معنا که متغیر طبقه اجتماعی 4 درصد از تغییرات متغیر تابع را تبیین می‌کند. نتیجه آزمون دوربین واتسن مقدار آماره 1.86 را نشان می‌دهد که به عدد ۲ نزدیک است بنابراین فرض استقلال باقیمانده‌ها (خطا) رعایت شده همچنین معناداری رگرسیون با $sig=0.04$ نشان دهنده قابلیت تعمیم آن به جامعه آماری است.

جدول ۵- ضرایب رگرسیون رابطه میان سرمایه اجتماعی و میزان اوقات فراغت

سطح معناداری	مقدار t	انحراف استاندارد	ضریب بتای استاندارد	ضریب بتا	ضریب ثابت
.۰۰۴	۲/۰۲	.۱۶	.۲۰	.۳۲	۲۴/۰۸

منبع: یافته‌های میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱.

فرضیه شماره ۳: رضایت فرد از فراغت خود اثر مثبت و معناداری بر میزان گذران اوقات فراغت شهروندان منطقه ۸ مشهد دارد.

جدول شماره ۶ بیانگر رابطه متغیر رضایت و میزان اوقات فراغت با استفاده از آزمون ضریب رگرسیون می‌باشد. همانطور که مشاهده می‌شود ضریب بتا حاکی از آن است که میزان تأثیر رضایت فرد 0.25 می‌باشد که جهت تأثیرگذاری آن نیز مثبت است و نشان دهنده آن است که سرمایه اجتماعی در پیش بینی میزان اوقات فراغت تأثیر مستقیم دارد. مقدار sig کمتر از ۰.۰۵ است و نشان دهنده این است که دلایل کافی برای رد فرضیه موجود نیست و فرضیه پذیرفته می‌شود. همچنین ضریب تعیین 0.06 می‌باشد. بدین معنا که متغیر رضایت فرد ۶ درصد از تغییرات متغیر تابع را تبیین می‌کند. نتیجه آزمون دوربین واتسن مقدار آماره 2.01 را نشان می‌دهد که به عدد ۲ نزدیک است. بنابراین فرض استقلال باقیمانده‌ها (خطا) رعایت شده همچنین معناداری رگرسیون با $sig=0.009$ نشان دهنده قابلیت تعمیم آن به جامعه‌ی آماری است.

جدول ۶- ضرایب رگرسیون رابطه میان رضایت فرد و میزان اوقات فراغت

سطح معناداری	مقدار t	انحراف استاندارد	ضریب بتای استاندارد	ضریب بتا	ضریب ثابت
.۰۰۹	۲/۶۵	.۷۵	.۲۵	۱/۹۹	۲۸/۷۷

منبع: یافته‌های میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

فرضیه شماره ۴: بین میزان اوقات فراغت شهروندان منطقه‌ی ۸ مشهد و جنسیت آن‌ها رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۷ درباره رابطه جنسیت و میزان اوقات فراغت است، این فرضیه مدعی تفاوت بین مردان و زنان در میزان اوقات فراغت می‌باشد. نتایج آزمون جدول نشان می‌دهد تی (T) محاسبه شده برای جدول مزبور برابر ۰/۸۸۸ شده است که از مقدار تی جدول با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا بیشتر است. لذا با اطمینان حداقل ۹۵ درصد و سطح معنی‌داری ۰/۰۳۷۶ می‌توان گفت بین میزان اوقات فراغت و جنسیت تفاوت معنا داری وجود ندارد؛ به عبارت دیگر میزان اوقات فراغت در بین دو جنس تفاوت ندارد.

جدول ۷- رابطه بین میزان اوقات فراغت و جنسیت

فرض برابری واریانس‌ها	آزمون Levene برای برابری واریانس‌ها		آزمون t برای برابری میانگین‌ها		
	مقدار آزمون F	سطح معناداری	مقدار آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری
فرض برابری واریانس‌ها	.۱۶۲	.۶۸۸	.۸۸۸	۹۸	.۳۷۶
فرض نابرابری واریانس‌ها			۸۷۴	۶۶/۵۴۸	.۳۸۵

منبع: یافته‌های میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

نتیجه گیری:

تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی، گروه‌های اجتماعی را به تناسب منابع، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های محیطی آن‌ها از خود متأثر می‌سازند. هر گروه اجتماعی در شرایط خاص هر جامعه از جایگاه، منزلت و توان مشخصی برای واکنش به تغییرات و تطابق خود با وضعیت جدید برخوردار است. این مقاله براساس بازخوانی زمینه‌های تبیین مکانی گذران اوقات فراغت، به بررسی آن شرایطی می‌پردازد که رفتارها و کنش‌ها و جهت‌گیری‌های گروه هدف، در میزان گذران اوقات فراغت تأثیر می‌گذارند. با پیشرفت‌های فناوری و کوتاه شدن ساعات کار، برنامه‌ریزی برای گذران اوقات فراغت اهمیت بیشتری می‌یابد. تفرجات سالم در ساعات بیکاری عبارتند از: استراحت، سرگرمی، رشد شخصی و اجتماعی، گذراندن آموزش‌های اجتماعی و بهبود مهارت‌های فنی. بنابراین از بررسی مقوله اوقات فراغت در منطقه ۸ شهرداری مشهد نتیجه می‌گیریم که میزان اوقات فراغت در بین شهروندان منطقه ۸ مشهد در متوسطی قرار دارد و میزان رضایت از گذران اوقات فراغت تأثیر مثبت و معناداری بر میزان گذران اوقات فراغت دارد، به عبارتی اگر فرد از تجربیات قبلی گذران اوقات فراغت سابقه ذهنی خوشایندی داشته باشد، بیشتر احتمال دارد به تکرار رفتار فراغتی بپردازد.

سرمایه اجتماعی بر میزان گذران اوقات فراغت تأثیر مثبت دارد؛ یعنی هرچه سرمایه اجتماعی فرد بیشتر باشد احتمال انجام رفتارهای فراغتی در او افزایش می‌یابد. نهایتاً این که جنسیت بر گذران اوقات فراغت تأثیر دارد؛ به عبارتی میزان گذران اوقات فراغت در بین زنان و مردان متفاوت است. بر اساس نتایج به دست آمده پاسخگویان اکثر اوقات فراغت خود را با دوستان خود سپری می‌کنند که این امر به خاطر وضعیت سنی خاص آن‌ها بوده است. همچنین فراغت منعکس‌کننده نابرابری‌های اجتماعی جوامع شهری است. بیش‌تر موانع اقتصادی-اجتماعی، قومی و نژادی و جنسیتی در رفتار فراغتی از اعتبار افتاده‌اند، اما نابرابری‌های اجتماعی در این حوزه همچنان پا برجا هستند. همانطور که نتایج این تحقیق نشان داد بین طبقات مختلف و میزان اوقات فراغت رابطه وجود دارد. دلایل اتخاذ چنین الگوهای متفاوت فراغتی می‌تواند اعمال جامعه‌پذیری متفاوت و ارزش‌های اقتصادی اجتماعی متنوع طبقات مختلف جامعه، مجموعه‌های فرصتی متفاوت در دسترس طبقات مختلف اقتصادی-اجتماعی باشد.

به طور کلی باید بگوییم که نتایج تحقیق نشان می‌دهد که طبقات مختلف جامعه از سرمایه اجتماعی یکسان برخوردار نیستند و سطح برخورداری افراد در طبقات اجتماعی و اقتصادی جامعه، بر نوع رفتار افراد جامعه تأثیرگذار است و با توجه به اینکه اوقات فراغت نوعی رفتار تلقی می‌شود، میزان بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی بر مشارکت افراد در فعالیت‌های فراغتی مؤثر است. از دیگر سو، هنوز نابرابری‌های ناشی از انواع سلطه‌های طبقاتی و فضایی همچنان از جمله متغیرهای تعیین‌کننده‌ی فراغت هستند. بر این اساس، در جامعه‌ی ایران فراغت با ساز و کارهای گوناگون خود همچنان از موقعیت ساختاری افراد و نابرابری‌های اجتماعی موجود در جامعه تأثیر می‌پذیرد و رفتار فراغتی جوانان از درون مجموعه‌ای از فیلترهای اجتماعی شامل سرمایه اجتماعی و طبقه اجتماعی می‌گذرد.

منابع:

۱. ابراهیمی، قربانعلی و رقیه مسلمی پطردی (۱۳۹۰): «اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۴، تهران، صص ۹۱-۷۳.
۲. آقا، هما (۱۳۷۱): کیفیت گذران اوقات فراغت دانش آموزان در شهر شیراز، گزارش طرح مصوب دانشگاه شیراز.
۳. اسدی، علی (۱۳۵۲): فراغت، تعاریف، دیدگاه‌ها، سمینار ملی رفاه اجتماع کمیته گذرن اوقات فراغت، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۴. تندنویس، فریدون (۱۳۸۱): «جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی»، مجله حرکت، شماره ۱۲، تهران، صص ۸۷-۱۰۴.
۵. توسلی، غلامعلی (۱۳۸۵): جامعه‌شناسی کار و شغل، انتشارات سمت، چاپ چهارم، تهران.

۶. جاجرمی ایمانی، حسین (۱۳۸۰): «سرمایه‌ی اجتماعی و مدیریت شهری»، فصلنامه‌ی مدیریت شهری، وزارت کشور، سازمان شهرداری‌های کشور، سال دوم، شماره‌ی ۷، تهران، صص ۳۴-۴۵.
۷. خاتون‌آبادی، سیداحمد (۱۳۸۴): جنبه‌هایی از توسعه پایدار (از اندیشه تا کنش)، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، اصفهان.
۸. خواجه نوری، بیژن و علی اصغر مقدس (۱۳۸۷) «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آباء»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه نامه پژوهش‌های اجتماعی، ساری، صص ۱۵۶-۱۳۳.
۹. دو مازیه، ژوزف (۱۳۵۲): «زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسی»، ترجم م: آدینه، مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲، تهران، صص ۲۴-۱۲.
۱۰. دواس، دی. ای (۱۳۷۶): پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، نشر نی، تهران.
۱۱. دومازیر، ژوفر (۱۳۷۵): مقدمه ای بر جامعه‌شناسی فراغت، ترجمه علی اسدی، مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲، تهران.
۱۲. رجبی و هما آقا (۱۳۶۹): گذران اوقات فراغت دانش آموزان شهر شیراز، مجموعه مقالات اقتصادی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه استان فارس، شماره ۴، شیراز.
۱۳. رفعت جاه، مریم (۱۳۸۴): «جنسیت و اوقات فراغت در عرصه‌های زندگی شهری»، فصلنامه انسان‌شناسی، شماره ۴، تهران، صص ۷۳-۶۱.
۱۴. زیارتی، شیردخت و ژاکلین ردولف طوبی (۱۳۵۵): «تأثیر شهر محل اقامت در میزان رضایت از فعالیت‌های اوقات فراغت افراد تحصیلکرده شاغل در چهار مرکز صنعتی اراک و تبریز»، نامه علوم اجتماعی، چاپ دوره قدیم، شماره ۵، تهران، صص ۷۱-۵۰.
۱۵. زیاری، کرامت‌اله، حافظ مهدنژاد و فریاد پرهیز (۱۳۸۸): مبانی و تکنیک‌های برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه بین‌المللی چابهار، چاپ اول، چابهار.
۱۶. سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۷): «تحول در مطالعات فراغت»، فصلنامه مطالعات جوانان، ویژه نامه اوقات فراغت، شماره ۱۳، تهران، صص ۳۱-۵۲.
۱۷. سعیدیان، محمد و علیشاهی (۱۳۶۹): چگونگی گذران اوقات فراغت نوجوانان، انتشارات واحد تحقیقات صدا و سیما، تهران.
۱۸. شهرداری منطقه هشت مشهد (۱۳۸۷): نقشه بافت منطقه هشت، موجود بر روی سایت اینترنتی شهرداری منطقه هشت مشهد.
۱۹. صابریان، معصومه و دیگران (۱۳۸۲): «بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و نحوه گذران اوقات فراغت سالمندان ساکن در مناطق شهری تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی سمنان ۱۳۸۰»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، شماره ۳ و ۴، سمنان، صص ۱۳۶-۱۲۹.
۲۰. صادقی، رسول، بلالی، اسماعیل و احمد محمدپور (۱۳۸۹): «نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹، تهران، صص ۳۵۷-۳۸۹.
۲۱. عبدالملکی، علیرضا (۱۳۷۸): بررسی عوامل و جاذبه‌های گردشگری شهر همدان و نقش آن در تحولات این شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت معلم تهران، تهران.
۲۲. عطائی سعیدی، حامد، ناصری راد، محسن، محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۸): «اثرسنجی برنامه‌های اوقات فراغت دختران دانش‌آموز مطالعه موردی استان خراسان شمالی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۴، تهران، صص ۲۰۵-۲۳۸.
۲۳. فکوهی، ناصر، انصاری مهابادی، فرشته (۱۳۸۲): «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران»، نشریه نامه انسان‌شناسی، شماره ۴، تهران، صص ۶۱-۹۰.

۲۴. قرخلو، مهدی (۱۳۸۶): جغرافیای جهانگردی و برنامه ریزی اوقات فراغت، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۲۵. قرخلو، مهدی و سیدهادی حسینی (۱۳۸۶): «شاخص‌های توسعه پایدار شهری»، مجله‌ی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۸، مشهد، صص ۱۷۷-۱۵۷.
۲۶. کیال، علی (۱۳۵۶): مطالعه و بررسی فعالیت‌های فراغتی پایین دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و تعاون در دو گروه با درآمد بالا و پایین، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه تهران.
۲۷. مجنونیان، هنریک (۱۳۷۴): مباحثی پیرامون پارک‌ها، فضای سبز و تفرجگاه‌ها، انتشارات سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری، تهران.
۲۸. محسنی (۱۳۵۲): تحقیقی پیرامون اوقات فراغت در میان دانشجویان، دبیرخانه شورای فرهنگ و هنر، فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲، تهران.
۲۹. منادی، مرتضی (۱۳۸۶): «اوقات فراغت و چالش‌های جهانی شدن مقایسه دو نسل»، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۸، تهران، صص ۱۳۱-۱۶۵.
۳۰. منشی زاده، رحمت اله (۱۳۷۶): جهانگردی، انتشارات مسعی، چاپ اول، تهران.
۳۱. مولدان، بدریچ و سوزان بیلهارز (۱۳۸۱): شاخص‌های توسعه پایدار، ترجمه نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم نژاد، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.
۳۲. موموندی، افسر (۱۳۸۰): بررسی گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان شهر ورامین، طرح پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۳۳. وبلن، تورستین (۱۳۸۳) نظریه طبقه مرفه، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی، تهران.
34. Clarke, J and Critcher, C (1985): *The Devil Makes Work: Leisure in Capitalist Britain*; University of Illinois Press.
35. Gross, Edward (1961): *A Functional Approach to Leisure Analysis Social Problems*, Vol. 9, No. 1, pp 2-8, Published by: University of California Press on behalf of the Society for the Study of Social Problems Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/799417>.
36. Hall, M. (2005): *Reconsidering the Geography of Tourism and Contemporary Mobility*, *Geographical Research*, Vol 43 (2), pp125-139.
37. Haworth, John T & Veal, A.J (۲۰۰۴): *Work and Leisure*, Publisher: Routledge, New York press, New York.
38. Hunnicutt, B.K. (1988): *Work without End: Abandoning Shorter Hours for the Right to Work*, Temple University Press, Philadelphia.
39. Katz- Gerro, Tally. (1999): *Cultural consumption and social stratification: Leisure activities, musical tastes, and social location. Sociological Perspectives*, Vol. 42, No. 4, p. 627-646.
40. Parker, S. (1971): *The Future of Work and Leisure*, Palladin press, London.
41. Parker, S. (1976): *The Sociology of Leisure*, Allen and Unwin press, London.
42. Rojek, C. (1990): *Emancipation and Demoralization: contradicting approaches in the sociology of leisure*, *Leisure Studies*, No 2, pp 83-96.
43. Williams, D. and Kaltborn, B. (1999): *Leisure places and modernity: the use and meaning of recreational cottages in Norway and the USA*. In Crouch, D. (ed.) *Leisure/Tourism Geographies: Practices and Geographical Knowledge*. Routledge press, London.
44. Caldwell, L. L., Darling, N(1999): *Leisure context, parental control, and resistance to peer pressure as predictors of adolescent partying and substance use: An ecological perspective*", *Journal of Leisure Research*, Vol. 31, No. 1, p. 57-77.
45. <http://oldzone8.mashhad.ir/module-pagesetter-viewpub-tid-2-pid-74.html>